

## مفاهیم نمادین و پندارهای اساطیری روایات ضحاک بر بنیاد اندیشه ایران شهری

### چکیده

با منی کرد جمشید که بازتابی ایرانی از کهن‌الگوی شورش آغازین در برابر جهان‌آفرین بی‌همتاست، سامان هستی درهم‌ریخته، دچار آشوبی ویرانگر می‌شود. مونولوگ شکاکانه قهرمان که در کارکردهایش نقشی بسنده به خود قائل است، شوند آشکارگی شر در جهان هستی می‌گردد. بنابر روایت شاهنامه، نماد شر، شخصیتی دیوسان به نام ضحاک است که هستی و سامان نیاکانی آن را آشفته ساخته و بدان حالتی هاویه‌گون، تاریک و مرگ‌بار می‌بخشد. در این فرآیند شیطانی، پدر را می‌کشد، آدمیان را می‌بلعد، مغزها را می‌کوبد، ایستارها و آیین‌ها را گمراه می‌کند و تمام کوشش خود را به کار می‌برد تا هستی مزدا آفریده را از زندگی تهی ساخته و رنج، بیماری و مرگ را بر آن چیره سازد. سرانجام نیروی دیوانه‌وار اهریمنی روح او را به سحر و فسون رام خود ساخته و اراده‌اش را بر او برمی‌گمارد. از آن روی که همه این کارکردها به زبان رمزی و استعاره‌گون بیان شده، پژوهش‌گر بر آن است تا با رویکردی کهن‌الگویی و روشی تطبیقی، مفاهیم نمادین و پندارهای اساطیری این روایت، هم‌چون پیدایش شر، پدر و پدرکشی، فریب، مار، کتف، مغزخواری و... را در بستر فرهنگ ایران شهری که در آیین مهری، جهان‌بینی زرتشتی و دیگر هنجارها و سنت‌های دینی ایرانی تجلی یافته مورد بررسی قرار دهد و دریافت‌های نوینی را ارائه نماید. پژوهش‌گر در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و پژوهشی از منابع لازم بهره برده و مطالب را بررسی کرده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی مفاهیم نمادین و پندارهای اساطیری روایات ضحاک بر بنیاد اندیشه ایران شهری.
۲. بررسی و تأویل ژرف‌ساخت‌های هنری ادبیات با بازخوانی شاهنامه براساس تحلیل اساطیری.

### سؤالات پژوهش:

۱. مفاهیم نمادین و پندارهای اساطیری روایات ضحاک بر بنیاد اندیشه ایران شهری چگونه است؟
۲. اسطوره‌ها چگونه می‌توانند منبع الهام هنر و ادبیات شده و ذهن ما را به دریافت‌های نوینی از آن‌ها رهنمون سازند؟

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه ایران شهری، جمشید، شک، شر، ضحاک، آشوب ازلی.

## مقدمه

در همهٔ اسطوره‌ها، گرانی‌گاهی هست که طی آن دنیای نو با هستی‌های گوناگون پیدایی می‌یابد. در این فرآیند، آرمان‌شهر مینوی به شوند مونولوگ یک قهرمان لرزان شده و گیتی با ویژگی‌های ناسازوارش پدیدار می‌شود. برجسته‌ترین ویژگی این دنیای نوپدید آشکارگی بن‌پاره‌ای به‌نام شر است که با خود رنج، بیماری، مرگ و ویرانی به همراه دارد. در برخورد با شر، دنیای آرام و یکنواخت ازلی آشفته و دچار دگرگونی‌های همیشگی می‌شود. پریشانی و ناستواری جهان نوبرآیند برهم‌کنشی این بن‌مایه با بن‌پارهٔ دیگری به‌نام خیر است. پیدایی و فروپاشی سرزمین بهشت آیین شاهنامه نیز تهی از این نقش‌مایه‌ها نیست. پایه‌های این اتوپیا با منی‌کرد جمشید، شهریار آرمانی آن فروریخته و آشوبی هراس‌انگیز آن را فرامی‌گیرد. ضحاک بی‌بهره از مهر، نماد این آشفستگی است. با پیدایش وی زندگی گیتیگ ایرانی به معنای راستین آن آغاز می‌شود. راستین از آن روی که زندگی به پندارهٔ پساجمشیدی در رویارویی با بن‌پاره‌ای که مرگ نامیده می‌شود، معنا می‌یابد.

در دوران همایون جمشید، ما با زیستنی فسانه‌گون و رها از درد و رنج روبه‌رو هستیم. در این روزگار پدیده‌های هستی حضوری آزاد و رها که وابسته به شاه پهلوانی فرهمند است، تجربه می‌کنند. پادشاهی که به‌گونه‌ای جادوانه تمامی بار مسئولیت هستی را به دوش کشیده و چالش‌ها و نیازها را با نوآوری‌های بسنده به خود، چاره‌سازی می‌نماید. آن‌گاه که جمشید به سامان هستی شک کرده و خود را تمامی ماجرا می‌پندارد، نظم آن فرومی‌ریزد و آشوبی همیشگی آن را فرامی‌گیرد. اینک دوران خیر مطلق به پایان رسیده و شر که زاییدهٔ شک است سایه به جهان گیتی می‌اندازد. دوآلیته خیر و شر جهان را گسترهٔ همیشگی کشاکش‌ها و نبردهای بی‌امان می‌سازد. نیروهای اهریمنی که تا پیش از آن به دلیل هماهنگی و همبستگی جهان مینوک توانایی افسون و چیرگی بر آن را ندارند برای نخستین‌بار می‌توانند به بشر، یکی از حلقه‌های آن نفوذ کرده و پیروزی‌های گاه‌به‌گاهی را به‌دست آورند.

در روایتی که فردوسی از دورهٔ گذار ارائه می‌کند، آرمان‌شهر ایرانی با گریز فره یزدانی نابود شده و با پیدایش ضحاک، گیتی نمایان می‌شود. این نوپیدایی با رویدادهای وحشتناکی همراه است که در چارچوب نمادها و استعاره‌ها بازتاب می‌نماید. از این پس درد، رنج، بیماری، مرگ و ویرانی هم‌زاد انسان و طبیعت خواهد بود. بشر در برابر این تجربه‌ها شگفت‌زده و بی‌دفاع تنها به تماشای می‌نشیند. پادشاهی فرهمند و خیرخواه جای خود را به نیرویی اهریمنی و جهان‌خوار داده که هستی در سایهٔ شوم آن سترون شده است. در این روایت، ما با آغازین الگوها و بن‌مایه‌هایی روبه‌رو هستیم که در بستر فرهنگ ایران‌شهر شکل گرفته‌اند.

در این پژوهش کوشش شده است که رازها و مازهای روایت ضحاک را با روی‌کرد به جهان‌بینی اساطیری ایران‌زمین و تحلیل کهن‌الگویی مورد بررسی قرار داده و با ارائهٔ انگاره‌هایی نوین، پنداره‌های تازه‌ای را آشکار سازد که تاکنون مورد غفلت واقع شده است. هر کدام از شخصیت‌ها نمایندهٔ ویژگی‌هایی هستند که قرار است بدون هیچ پیش‌داوری دربارهٔ آن‌ها سخن گفته شود و نقش‌مایه‌هایشان در تکوین و حرکت این جهان نوآیین تبیین شوند. دربارهٔ روایت ضحاک مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی تألیف و نوشته شده است؛ از جمله؛ فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان اثر جواد جواد، سرنوشت یک شمن از ضحاک به اودن اثر علی حصوری، ضحاک از اسطوره تا واقعیت نوشتهٔ حمزه حسین‌زاده و هم‌چنین بی‌شمار مقالاتی که از ابعاد مختلف به این روایت پرداخته‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: ضحاک ماردوش اثر دکتر خطیبی و ضحاک در بند طبیعت نوشتهٔ دکتر نامور مطلق. در این پژوهش

کوشش شده است تا برای نخستین بار با بهره‌گیری از نقد اسطوره‌شناختی و تحلیل کهن‌الگویی با روی‌کردی تطبیقی که بنیاد آن بر اندیشهٔ ایران‌شهری است به بررسی پیدایش گیتی هم‌آمیخته با شر و بازتاب آن در روایت ضحاک بپردازد و با این روش دوره‌ای از تاریخ اندیشهٔ ایران‌شهری را که در غبار هزاره‌ها پنهان مانده بر آفتاب اندازد.

## نتیجه‌گیری

اسطورهٔ ضحاک یکی از نمونه‌های عالی بیان نمادین بشر پیشاتاریخ در فرانمود و بازگفت پیدایی جهان گیتیگ و شر موجود در آن است. پدیدآورندگان آن بدون دسترسی به زبان پیراستهٔ فلسفی به‌دنبال فرانمودی بوده‌اند تا چپستی و چگونگی جهان مادی را روشن سازند. بنابراین کوشش می‌کنند تا مفاهیم مجرد و انتزاعی هم‌چون شر و کارکردهای آن را در چارچوبی از استعاره‌ها و هستومندهای رازآمیز به شیوه‌ای نمادین سامان بخشند. قهرمان در سیر قهرمانانهٔ خود در عبور از آستانه‌ها در بزنگاهی به سامان هستی شک کرده و ماهیت آن را زیر سؤال می‌برد. شک نوعی خودآگاهی است که چشمان قهرمان را به راز ویژه‌ای می‌گشاید. از شک، شر پدیدار می‌شود که در حقیقت نیروی خلاقه‌ای است که در آفرینش گیتی و باشندگان آن با نیروی خیر همکاری می‌کند. ضحاک بازتاب نمادین این نیروی نوپدید اهریمنی است که ویژگی‌ها و کارکردهایش سرنوشت انسان و جهان را دگرگون می‌سازد.

بشر نانویسا این فرآیند را در پوششی از استعاره‌ها و نمادها سینه‌به‌سینه یا در قالب آیین‌ها و نمایش‌ها سزاوار فهم ساخته و منتقل می‌نماید. در جریان گذشت روزگار و فرگشت اندیشه بشری این دانسته‌ها نیز دگرگون شده و در خور زملنه معنای نوینی را بازتاب می‌دهند. نگارنده در چارچوب تحلیل کهن‌الگویی تلاش کرده‌است، این فرآیند رنگارنگ پنداره‌ها را در روایت ضحاک بازشناسی کرده و انگاره‌های تازه‌ای را باتوجه‌به بستر فرهنگی که در آن نمایان شده در میان بگذارد. این پژوهش نشان می‌دهد، که منظور از پدر در روایت ضحاک پدر فیزیولوژیکی نیست بلکه رمزی از زمان و زروان است که جهان را می‌آفریند، سنت‌ها را پدید می‌آورد و سرنوشت هستی و به‌ویژه انسان‌ها را رقم می‌زند. با چنین دریافتی پدرکشی نیز حامل پنداره‌های نمادین ویژه‌ای است. کشتن پدر بازتاب رهاکردن زمان، ایستارها و آیین‌های پیشین و شکستن تابوهای نیاکانی است. هم‌چنین مغزخواری بازتابی از بن‌مایهٔ خون‌آشامان در فرهنگ جهانی به‌ویژه غرب است که میل بی‌حد و حصر به زیستن را نشان می‌دهد. ضحاک سعی می‌کند با اوباریدن مغزها از نور و روشنایی هستی بخش آن بهره‌مند گردد. با چنین نگرشی حجاب‌های ظاهری از برابر دیدگان خواننده کنار می‌رود و گنه داستان بر وی آشکار می‌شود، آن‌گاه است که با یابش پنداره‌های نو دچار کاتارسیس شده و با ضدقهرمان احساس شفقت و هم‌دردی می‌کند.

آیا ضحاک قربانی سرنوشت مقدری است که برای کارکردهایش انتخاب و به این جهان پرتاب شده است؟

«و یتفکرون فی خلق السموات و الأرض ربنا ما خلقت هذا باطلاً» (سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۹۱)

## منابع و مأخذ:

ابن خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۷۶). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.

امامی، صابر. (۱۳۸۰). اساطیر در متون تفسیری فارسی. تهران: گنجینهٔ فرهنگ.

اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۹۴). دانشنامهٔ مزدیسنا. تهران: نشر مرکز.

- اولانسی، دیوید. (۱۳۸۵). پژوهشی نو در میتراپرستی. ترجمه مریم امینی، تهران: نشر چشمه.
- آلن، تونی؛ فیلیپس، چارلز و کریگان، مایکل. (۱۳۸۴). اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی سرور دانای آسمان. ترجمه زهره هدایتی، رامین کریمیان، تهران: نشر نی.
- آندرسن، کریستین. (۱۳۸۳). نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ و افسانه ایرانیان. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). از اسطوره تا تاریخ، تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: نشر آگه.
- جلالی نایینی، سید محمدرضا. (۱۳۸۴). ثنویان در عهد باستان، تهران: انتشارات طهوری.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۲). دیوان حافظ، بر اساس نسخه محمدعلی قزوینی، تهران: انتشارات پیام عدالت مولوی.
- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم. (۱۳۸۲). نوروز نامه، به کوشش علی حصوری، تهران: نشر چشمه.
- دادگی، فرنبغ‌دادگی. (۱۳۸۰). بندهش، به کوشش مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- دل، کریستوفر. (۱۳۹۵). اسطوره به روایت تصویر، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل گور مطلق، تهران: نشر پیکره.
- شاکد، شائول. (۱۳۸۶). تحول ثنویت، تنوع آرای دینی در عصر ساسانی، ترجمه سید احمدرضا قائم مقامی، تهران: نشر ماهی.
- شوالیه، ژان-گربران، آلن. (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها، ج ۲ و ۴، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: انتشارات جیحون.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق (جلد اول و جلد پنجم)، نیویورک: Bibilio the capersica.
- فروید، زیگموند. (۱۳۵۱). توتم و تابو. ترجمه محمدعلی خنجی، تهران: کتابخانه طهوری.
- فریزر، جرج جیمز. (۱۳۸۴). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه.
- قرآن کریم، ترجمه شیخ حسین انصاریان. تهران: انتشارات کلام ماندگار.
- قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۹۲). فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۷۸). فلسفه صورت‌های سمبلیک. جلد دوم اندیشه اسطوره‌ای. ترجمه یدالله موقن، تهران: نشر هرمس.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۹). نامه باستان و ویرایش و گزارش شاهنامه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت).
- کمبل، جوزف. (۱۳۸۴). قدرت اسطوره. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

- کمبل، جوزف. (۱۳۸۹). قهرمان هزارچهره. ترجمه شادی خسروپناه، مشهد: نشر گل آفتاب.
- کوپر، جی سی. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادهای آیینی. ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات علمی.
- مالاندرا، ویلیام. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر دین ایران باستان. ترجمه خسرو قلی‌زاده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۷). متن کامل مثنوی معنوی. به کوشش مهدی آذریزدی، تهران: انتشارات پژوهش.
- موله، ماریان. (۱۳۹۵). آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی، مسئله سنت زرتشتی و مزدایی، ترجمه محمد میرزایی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ورمازن، مارتین. (۱۳۸۰). آیین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: نشر چشمه.
- هال، جیمز. (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- هدایت، صادق. (۱۳۸۵). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: نشر چشمه.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). اسطوره بازگشت جاودانه. ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران: انتشارات طهوری.